



سرنگونی رژیم رای ما مردم است

**Iranian people's vote is to put an end
to the nightmare of the Islamic regime**

نتیجه انتخابات: تعرض همه جانبه تر علیه کل حکومت پیام حمید تقوایی در مورد معرکه انتخاباتی حکومت

بلکه بلندتر کردن فریاد اعتراضات علیه باندهای مافیائی حاکم است. معرکه انتخاباتی حکومت را میتوانیم به سکونی برای تعرض متحد تر و گسترده تر علیه کل حکومت تبدیل کنیم. نتیجه این انتخابات هرچه باشد و هر کس را از صندوق بیرون بیاورند بی گمان با صفوی بهم ریخته تر و ضعیف تر از این معرکه بیرون خواهند آمد. برای ما مردم این فرصتی برای تعرض بیشتر و همه جانبه تر است.

مردم آزاده ایران!

با عدم شرکت در مضحکه انتخاباتی حکومت و با گسترش اعتراضات و طرح مطالبات برحق خودمان در همه عرصه ها بازی انتخاباتی حکومت را به شکست بکشانیم و آنرا به سکونی برای تعرض و پیشروی بیشتر علیه رژیم جنایت و چپاول جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. رقابتهای انتخاباتی حکومتیها پایان میرسد ولی جنگ ما مردم علیه این حکومتی که گوشه کوچکی از جنایاتش در خود افشاگرها و اعترافات کاندیداها بر ملا شد، تا سرنگون کردن کل حکومت ادامه خواهد یافت. انتخاب ما مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است.

حمید تقوایی

۲۸ اردیبهشت ۹۶، ۱۸ مه ۱۷

کارگران در هفته ای که گذشت

سایه سنگین کارگران بر فضای مضحکه انتخاباتی

شهلا دانشفر

صفحه ۶

جمهوری اسلامی بعد از انتخابات

اصغر کریمی

صفحه ۲

کدام راهزن؟ کدام جلاد؟

بهرز مهرآبادی

صفحه ۳

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۱۲

جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۱۹ مای ۲۰۱۷

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و سخنان جعفر عظیم زاده در حمایت از اسماعیل عبدی

شهلا دانشفر

صفحه ۴

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان

خطاب به مردم کردستان:

در بساط "انتخابات" جمهوری اسلامی

شرکت نکنید

صفحه ۸

نمایش مضحک انتخابات را باید به ضد خود تبدیل کرد!

محسن ابراهیمی

صفحه ۲

اعترافاتشان را فراموش نکنیم

کاظم نیکخواه

صفحه ۸

فاجعه ی انسانی در معدن یورت

و بهره برداری های حکومت

آرش دشتی

صفحه ۸

قرار در مورد مبارزه علیه سانسور و سرکوب عقاید

صفحه ۷

جمهوری اسلامی بعد از انتخابات

اصغر کریمی



کرده باشد، کل حکومت ضعیف تر و جبهه سرنگونی یکدست تر و قوی تر خواهد بود و توان سرکوب حکومت باز هم کمتر میشود. مردم در خلال تبلیغات و مناظره های کاندیدها و رسانه ها و ارگانها و جبهه حامی هر کدام در حکومت، بن بست حکومت، خالی بودن دست نمایندگان مختلف حکومت، بی افقی آنها، فقدان کوچکترین راه حلی برای تخفیف اوضاع بحرانی شان در داخل و خارج و تشنیت صفوف حکومت و خصومت آنها به یکدیگر را عمیق تر از قبل دیدند و شنیدند. در يك كلام حکومت بعد از انتخابات بی آبروتر، "رو سیاه تر"، متشتت تر و در مقابل مردم ناتوان تر خواهد بود و جنبش سرنگونی قدرتمندتر از قبل، حق به جانب تر، امیدوارتر و مصمم تر به پیشروی خود ادامه خواهد داد. انتخابات حکومتی ها فراخوان امیدوارکننده ای به مردم برای گسترش اعتراض بود.

عملا فراخوانی به مردم برای گسترش اعتراض و پیشروی بیشتر بود. اصلاح طلبان میگویند رئیسی بیاید در خیابان ها هم دیوار میکشد و جداسازی ها را بیشتر خواهد کرد، بیشتر اعدام خواهد کرد و بیشتر به زندان خواهد انداخت. گویی مردمی در کار نیستند، گویی اعتراضی نیست، گویی مردم دست و پا بسته و تسلیم شده اند، گویی هر غلطی بخواند میتوانند بکنند. آنچه میزان سرکوبگری حکومت و فشار اقتصادی به مردم را تعیین میکند مبارزات مردم است و نه گویا مردم را بودن يك جناح و تمایل آن به کاهش سرکوب و تمایل جناح دیگر به بهبود زندگی اقتصادی مردم. هرکدام هرچه بتوانند سرکوب و اعدام میکنند و سفره کارگران و اکثریت مردم را باز هم خالی تر خواهند کرد. اما این مردمنده که افسار آنها را میکشند و مانع سرکوب بیشتر میشوند. و روشن است که هرچه تعداد مردمی که رای میدهند کمتر باشد، و هرچه در چند هفته گذشته جنبش سرنگونی طلبی در مقابل اصلاح طلبان و کل حکومت فضای قطبی تری ایجاد

سرنگونی و ناتوانی حکومت در تخفیف بحران سیاسی اقتصادی و موقعیت ضعیف تر شده منطقه ای حکومت بوده است. با انتخابات هم نه این بحران قرار است تخفیف پیدا کند و نه کوچکترین تخفیفی در معضلات اقتصادی مردم قرار است ایجاد شود. اعتراضات بنابراین با قدرت بیشتری ادامه خواهد یافت و بحران حکومت و تشنیت در صفوف حکومت را باز هم عمیق تر خواهد ساخت. هیچ کاندیدی البته وعده نداد که فلان قانون را به نفع کارگران یا زنان یا جوانان خواهد گذراند، هیچکدامشان قول نداد که دستمزدها را افزایش دهد، یا بهبودی در وضعیت طب و تحصیل و یا بیمه های بیکاری ایجاد کند اما هرکدام با دست گذاشتن روی معضلات اقتصادی کارگران و جوانان و یا محدودیت های اجتماعی مردم و افشای همدیگر در این زمینه ها و با توجه به اینکه اظهر من الشمس است که نه میخواهند و نه میتوانند کوچکترین بهبودی در زندگی مردم ایجاد کنند، راه را برای گسترش جنبش کارگری و مردم معترض در همه زمینه ها بازتر کردند. مضحکه انتخابات

به حد کافی به جنبش سرنگونی باروت دادند تا آتش مبارزه علیه کل حکومت را تندتر کنند. هیچ کاندیدی کوچکترین راه حلی برای تخفیف بحران اقتصادی نداشت. هیچکدام راه حلی برای بحران منطقه ای حکومت نداشت. هیچکدام حتی وعده ای به مردم نداد. هیچکدام راه حلی برای تخفیف بحران سیاسی و تشنیت در صفوف حکومت که هر روز عمیق تر میشود نداشت. برعکس خصومت باندهای حکومت به یکدیگر و ریخته شدن بیشتر پشم و پیله خامنه ای، در مقابل چشم مردم به نمایش گذاشته شد. محور تبلیغاتشان این بود که اگر روحانی بیاید وضع اقتصادی بدتر میشود و اگر رئیسی بیاید فشار سیاسی بیشتر میشود. دستشان خالی تر از این بود که درمورد آینده حکومت حتی در مقابل صفوف خود چشم اندازی مثبت ارائه دهند. این انتخابات های قلابی هم هر بار برای حکومت پرهزینه تر میشود و بیشتر با بن بست مواجه میشود. اما این افشاگری ها خود محصول اعتراضات گسترده و عمیق مردم، پیشروی جنبش

صرفنظر از اینکه چه کسی از صندوق انتخابات حکومت بعنوان رئیس جمهور بیرون بیاید، و صرفنظر از اینکه چه تعداد بطور واقعی پای صندوق های رای بروند یا چه تعدادی اعلام کنند، جمهوری اسلامی بعد از انتخابات ضعیف تر و شکننده تر از جمهوری اسلامی قبل از انتخابات خواهد بود. کاندیدهای حکومت یکدیگر را افشا و محاکمه کردند، هرکاندیدی رقیب خود را متهم به فساد و اعدام و زندان و سرکوب مردم و غیره کرد. در خلال این خودافشاگری ها کلیت حکومت از دهه شصت به این سو مورد محاکمه قرار گرفت و بیش از پیش در پیشگاه مردم عریان شد. هر کدام از این کاندیدها بعنوان رئیس جمهور حکومت به جامعه معرفی شوند از قبل بعنوان يك مجرم سیاسی و اقتصادی توسط خودشان محاکمه و محکوم شده اند. یکی از مخالفین حکومت بعد از مناظره سوم کاندیدها در طنز جالبی گفته بود که الان به پلیس ۱۱۰ زنگ میزنم این شش نفر را که با سند و مدرک دزدی های هم را لو دادند بعنوان دزد دستگیر کند! کاندیدها

نمایش مضحک انتخابات را باید به ضد خود تبدیل کرد!

محسن ابراهیمی



حکومت اسلامی تبدیل کند. ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶-۱۷ مه ۲۰۱۷

دارد. و مردم در صورتی برنده هستند که نه تنها با هیچ توجیهی در این بازی شرکت نکنند، نه تنها تماشاگر منفعل نباشند، بلکه فعالانه کل این بازی را همراه با سناریونویسان و بازیگران اصلیش هم بزنند و بر سر گردانندگان اصلیش یعنی حکومت اسلامی خراب کنند؛ کل این نمایش حکومتی را به صحنه ای از نمایش قدرت علیه

روز "جشن و شادی و شور" برای جمهوری اسلامی اعلام میکنند! و بالاخره همین دیروز با بیشمرمی تمام به چشم مردم نگاه کرد و گفت که هرکدام از قاتلان و دزدان و فاسدان اسلامی رای بیاورد "برنده اصلی ملت ایران است"؛ "برنده اصلی نظام جمهوری اسلامی است"؛ واقعا خامنه ای نمیداند بازی انتخاباتی در جمهوری اسلامی نمیتواند دو برنده داشته باشد؛ این سفسطه را یا باید به حساب شیادی سیاسی يك آخوند هفت گذاشت یا اینکه هنوز خامنه ای از ضربه ۸۸ تلو تلو میخورد و نمیداند چه میگوید! اما مردم باید بدانند که بازی مضحک انتخاباتی فقط يك برنده

چاپلوسی میکنند، بیشتر به جان هم می افتند و بیشتر سرگیجه میگیرند. همه هراسها و تناقض گوییها و سرگردانیهای حکومتیها را میتوان در سخنان و حرکات و سکنتات خامنه ای دید: يك روز به مردم التماس میکنند که حتی اگر بنده و نظام را قبول ندارید پای صندوقها بیایید! روز دیگر سیلی نظام را به رخ مردم میکشد، مردمی که یکبار سیلی محکمی به گوش او و سران حکومت خوابانده اند! روز بعد نگران میشود که مبادا "مردم بد اخلاقی و قانون شکنی" کنند و دشمن را امیدار کنند! و روزی دیگر نمایش "انتخابات" را

خامنه ای در راس نمایشی است که نامش را انتخابات گذاشته اند. نمایشی که راه انداخته اند تا لحظه نبرد نهایی میان مردم و حکومت را به عقب بیندازند. نمایشی که یکبار در ۸۸ از يك بازی سیاسی حکومتی به يك خیزش سیاسی مردم علیه حکومت تبدیل شد! هشت سال است که شبح ۸۸ بالای سر حکومت اسلامی چرخ میزند و هر چهار سال يك بار درست بالای سر بیت خود ولی فقیه خودنمایی میکند! بی دلیل نیست که هر بار در آستانه این نمایش سران حکومت بیشتر به هراس می افتند، بیشتر مانور نظامی میدهند، بیشتر به مردم

۲۹ اردیبهشت، روز "نه" به جمهوری اسلامی است!

نمایش انتخاباتی حکومت اسلامی



را به شکست بکشانیم

کدام راهزن؟ کدام جلاد؟



نمی تواند چاره فقر و فلاکت روزافزون، کاهش مداوم دستمزدها در مقابل تورم دو رقمی و بیکاری رو به افزایش باشد. به این عوامل باید چپاولگری و دزدی های هر دو جناح حکومت را اضافه کرد. هیچ کدام از دو رقیب نه برنامه و نه ادعایی برای آزادی تشکل های کارگری، برای آزادی بیان، برای بالابردن حداقل دستمزدها، برای تحصیل رایگان، برای بهداشت و درمان همگانی، برای بیمه بیکاری مکفی، برای برای برابری زن و مرد و برای طبیعی ترین و ابتدایی ترین خواسته های مردم نداشته است و ندارد. هرکدام از دو رقیب به قدرت برسد، در مقابل این خواسته ها قرار خواهد گرفت و خیلی زود شاهد رو در رویی شدید تر مردم و جنبش کارگری با جمهوری اسلامی خواهیم بود.

در مقابل تبلیغات باندهای حکومتی برای "انتخابات" موج عدم شرکت در این مضحکه قویتر از دوره های قبل است. مردم علنا در خیابانها می گویند که در "انتخابات" شرکت نمی کنند. در رسانه های اجتماعی این مضحکه و کاندیداهای آن را دست انداخته و افشا می کنند. بنرهای انتخاباتی در شهرهای مختلف پاره میشود. با وجود حضور گسترده نیروهای سرکوبگر در شهرها مردم در بسیاری از شهرها تجمعات خود را برگزار کرده و انزجار خود را از جمهوری اسلامی و "انتخابات" آن اعلام کرده اند. حتی بسیاری از خدمتگزاران سابق رژیم و اصلاح طلبان فعلی اعلام کرده اند که "این انتخابات نیست". حتی شاخک های حزب توده هم که در طول ۳۷ سال به جمهوری اسلامی آویزان بوده است، انقراض رژیم را احساس کرده و امتناع خود را از شرکت در این

جنایت دست اندرکاران حکومت امری طبیعی است و حتی مینا و امتیازی است برای برگزیده شدن بعنوان رئیس جمهور و یا نماینده مجلس اسلامی. این جار و جنجال ها و افشاگری ها فقط جنبه سهم خواهی دارد، اگر قرار باشد که این افشاگری ها جدی گرفته شود، جای تمام سرکردگان نظام از ولی فقیه و بیتش، رئیس جمهور، هیئت دولت و بسیاری از مدیران دولتی، اعضای مجلس اسلامی، سرداران سپاه و بسیج و ... جایشان در زندان است.

نتیجه "مضحکه انتخاباتی" را نمی توان بر اساس آمار و ارقام پیش بینی کرد. تقلب در این "انتخابات" امری عادی است، چه تقلب به نفع یک کاندیدا و یا حتی در مواردی جناحهای درگیر با هم توافق می کنند که میزان آرا همه حریفان را به یک نسبت چندین برابر اعلام کنند، تا "انتخاباتشان" را مشروع جلوه بدهند. حتی اگر تقلبی هم در شمارش آرای ریخته به صندوقها نباشد، شورای نگهبان یا ولی فقیه می توانند نتیجه را باطل اعلام کنند.

به جلوراندن شخصیت کریهیی مانند رئیسی با سابقه شرکت مستقیم در کشتار زندانیان سیاسی، فلاکت جناح خامنه ای را نشان میدهد. خامنه ای نتوانسته است بجز رئیسی کسی را که بتواند به او اعتماد داشته باشد و در عین حال در صفوف اصولگرایان وحدت ایجاد کند، پیدا کند. برگزیدن او به معنای سرعت گرفتن بحران اقتصادی و سیاسی و تلاش رژیم برای تدارک سرکوب های بیشتر است. در مقابل روحانی هم بجز ادامه سیاست چهار سال گذشته خودش، حرفی برای گفتن ندارد. ارزان نگاه داشتن نیروی کار، ادامه سرکوب مبارزات کارگری و اعدام و سرکوب. ادامه برجام و برطرف کردن کامل تحریم ها و جذب سرمایه های غربی می تواند بخش هایی از سرمایه داری و اقشار متوسط را بخود جلب کند، ولی

کلاس، غیر ممکن است و بدون شک دانش آموزان مدیر و مسئولان مدرسه را رسوا و مجبور به کناره گیری خواهند کرد.

وجه دیگر شرکت در انتخابات تأیید ولایت فقیه و نهادی که مستقیماً تحت نظارت اوست، احزاب و شخصیت های سیاسی که به شرکت در "انتخابات" رژیم فراخوان میدهند، و این توهم را مطرح می کنند که حکومتی که بیش از ۳۷ سال با کشتار و شکنجه و سرکوب حکومت کرده، با "انتخاباتی" که خودش مهندسی و برنده آنرا تعیین می کند، به آسانی از قدرت کنار می رود.

یک ویژگی مهم مضحکه انتخاباتی اخیر رژیم را می توان تشبیه رژیم دانست. خامنه ای بعنوان رهبر و ستون اصلی نظام اسلامی تحقیر شد. احمدی نژاد که چهار سال قبل نزدیکترین فرد به رهبر بود، با کاندید شدن به ولی فقیه دهن کجی کرد. این دلچسب عقب مانده هم فهمید که فاصله گرفتن از رهبر می تواند موجب کم شدن حملات مردم به او شود. حتی رئیسی کاندیدایی که بطور غیر مستقیم مورد حمایت بیت رهبری است وقتی که در مورد اموال آستان قدس و نپرداختن مالیات، قافیه را در مقابل حریفان تنگ می بیند، گناه را به گردن امام راحل و امام حاضر می اندازد و به فتوای آنها متوسل میشود.

در دوره اخیر تلاش رژیم و بویژه خامنه ای برای کنترل دعوای کاندیدها ناموفق بود. کاندیدها در مقابل افشای حقوق های نجومی، املاک نجومی، رانت خواری ها و جنایات بیشمار، هیچ کدام دفاعی از خود نداشته و نتوانستند این اتهامات را انکار کنند، بلکه در دفاع از خود به افشای طرف مقابل پرداختند. در یک جامعه متمدن هر کدام از این افشاگری ها و شهادت ها، دستگیری و محاکمه هر کدام از این "کاندیدا" ها را بدنبال دارد. اما در جمهوری اسلامی غارتگری و

حتی رئیس جمهور سابق رژیم در میان حذف شدگان به چشم میخورد و این خود نشان دهنده ابعاد کشمکش و اختلافات در درون حاکمیت است.

از سوی دیگر برگزاری مضحکه "انتخابات" برای مردم فرصتی است که تا از فضایی که دعوای بین جناحهای رژیم بوجود آورده استفاده کنند و اعتراضات خود را گسترش دهند. "مبارزات انتخاباتی" مطابق میل و سلیقه رژیم و نصایح ولی فقیه پیش نمی رود. در مناظرات انتخاباتی دوره اخیر جانیان و غارتگرانی که هر کدام نقش مهمی در اداره امور رژیم داشته اند، علیه یکدیگر شهادت داده و نمونه های بسیار از نقش یکدیگر در آدمکشی ها، دزدی ها و سرکوب ها را افشا کردند. این بیش از اینکه به نفع هر کدام از کاندیداها باشد، خشم و نفرت مردم از حکومت اسلامی را بیشتر می کند، امکان کنترل رژیم کم میشود و مردم از این فرصت برای به خیابان آمدن و بلند کردن صدای اعتراض خود استفاده می کنند. جنبش اعتراضی قدرتمند مردم پس از "انتخابات" سال ۸۸ بخوبی نشان داد که مردم چگونه از بالا گرفتن دعوای درون رژیم، استفاده می کنند.

تمام تلاش رژیم بر این است که "انتخابات" خودش را مشروع و قابل قبول جلوه دهد. از اینرو شرکت هر چه بیشتر مردم در "انتخابات" برای جمهوری اسلامی اهمیت زیادی دارد. اصرار به شرکت در انتخابات یک ویژگی مشترک همه باندهای جمهوری اسلامی است. به قول خامنه ای: "مهم نیست که به چه کسی رای می دهیم، مهم این است که همه بیایند". بیدلیل نیست که در روزهای انتخابات بگیر و ببند در مورد حجاب کمتر میشود و کاندیداها در تبلیغات انتخاباتی خود از موزیک رپ استفاده می کنند. در یک جامعه متمدن برگزاری چنین "انتخاباتی" حتی در یک دستان و برای انتخاب نماینده

بهر روز مهرآبادی

در صحنه ای از یکی از فیلم های "وودی آلن" به نام "پول رو بردار و فرار کن"، سام "تعدادی سارق مسلح وارد بانک میشوند، همزمان با آنها یک باند مسلح دیگر هم به قصد سرقت وارد همان بانک میشوند. دو باند سارق در مورد اینکه کدام یک باید بانک را بزنند، با هم بحث می کنند و به این نتیجه میرسند که از مشتریان و کارمندان بانک که گروگان گرفته شده اند، نظرخواهی کنند که توسط کدام گروه مورد سرقت قرار بگیرند.

این یکی از مطالبی است که اینروزها پیرامون مضحکه انتخابات در ایران می توان در رسانه های اجتماعی خواند. هر چند که سارقین فیلم "وودی آلن" با باندهای جنایتکار جمهوری اسلامی قابل مقایسه نیستند و بعید است که کارگردانی بتواند میزان توحش و ابعاد غارتگری اوایش حکومت اسلامی را در یک فیلم به نمایش درآورد، اما اشاره به این فیلم و مقایسه آن با برگزاری "انتخابات" در جمهوری اسلامی، بخشی از واقعیت را نشان می دهد. "انتخابات" در زیر سایه اسلحه و دستجات آدمکش تا دندان مسلح؛ "کاندیداهایی" که هر کدام پرونده ای سنگین در آدمکشی، شکنجه و چپاولگری دارند و در صورت برگزیده شدن هم باید مطیع فرامین ولی فقیه باشند؛ "انتخاباتی" که در آن زنان یعنی نیمی از جمعیت امکان برگزیده شدن ندارند؛ "انتخاباتی" که احزاب و شخصیت های سیاسی مخالف در آن امکان شرکت ندارند؛ "انتخاباتی" که کاندیداهای آن به سلیقه شورای نگهبان برگزیده ولی فقیه تعیین میشوند، مضمون حقیقی "انتخابات" در جمهوری اسلامی را نشان میدهد. در این "انتخابات" نزدیکترین خادمان رژیم هم در این میان حذف میشوند. نام وزرا، نمایندگان مجلس اسلامی و

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و سخنان جعفر عظیم زاده در حمایت از اسماعیل عبدی

شهلا دانشفر

بعد از ظهر روز ۲۴ اردیبهشت ماه جمعی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران با حضور در منزل اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان که هم اکنون در زندان به سر میبرد، همبستگی خود را با او و خواستهایش اعلام کردند. در این دیدار جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره این اتحادیه به نمایندگی از سوی اتحادیه آزاد کارگران طی سخنانی بر اتحاد بخشهای مختلف جامعه برای تحقق خواست پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی و مدنی و آزادی فوری اسماعیل عبدی تاکید کرد.

همان طور که در نوشته قبلی اشاره کرده ام جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در آستانه اول ماه مه سال ۹۵ طی بیانیه مشترکی اعتراض خود را به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض در جامعه اعلام داشتند. خواست مشخص آنان بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای فعالین اجتماعی و لغو احکام صادر شده بر اساس چنین پرونده هایی بود. این بیانیه که در واقعی اعتراضی به فقر، تبعیض و نابرابری و سیاست های ریاضت اقتصادی حکومت و سرکوبگری هایش بود، به کارزاری قدرتمند تبدیل شد. این کمپین نقطه عطف مهمی در مبارزات متحد کارگران و معلمان و فراهم شدن زمینه برای ایجاد همبستگی در مبارزات بخش های مختلف جامعه بود و در سطحی وسیع در ایران و در سطح جهانی مورد حمایت و استقبال قرار گرفت. اما علیرغم همه این اعتراضات اسماعیل عبدی در ۱۹ آبان ۹۵ با ۶ سال حکم راهی زندان شد. اسماعیل عبدی در سالگرد چنین کارزاری که تاکید آن به طور واقعی بر حق تشکّل، حق اعتصاب و آزادی های پایه ای در جامعه و حق اعتراض علیه کل این بساط تبعیض و بردگی و برای داشتن یک

زندگی بهتر است، در دهم اردیبهشت ماه سال جاری، یعنی یک روز مانده به روز جهانی کارگر طی بیانیه ای بر اعتراض خود علیه امنیتی کردن مبارزات فعالین اجتماعی و با خواست لغو احکام امنیتی صادر شده برای وی و تمامی زندانیان سیاسی اعلام اعتصاب غذا کرد. اعتصاب غذای اسماعیل عبدی همچنان ادامه دارد. اعتراض اسماعیل عبدی تا کنون با حمایت کانونهای صنفی از شهرهای مختلف پاسخ گرفته است. برنامه های پیاده روی و کوهنوردی جمع هایی از معلمان در شهرهای مختلف نمونه ای از این حمایت هاست. همچنین طوماری با هزاران امضا در حمایت از اسماعیل عبدی و خواستهایش به راه افتاده که همچنان جریان دارد.

به علاوه که در روز ۲۰ اردیبهشت حسن عمرانی یکی از معلمان استان بوشهر برای گذراندن ایام حبس به مدت یکسال به اتهام فعالیت تبلیغی "علیه نظام" راهی زندان بوشهر شد. او ابتدا به شش سال حبس محکوم شده بود که در دادگاه تجدید نظرش حکمش به یک سال تخفیف پیدا کرد. حسن عمرانی نیز با اعلام همبستگی با خواستهای اسماعیل عبدی از روزی که وارد زندان شده، اعتصاب غذایش را شروع کرده است. ضمن اینکه آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، علیه اعدام و مدافع حقوق زن نیز از روز ۱۹ فروردین ماه در اعتراض به اعمال دستگاه قضایی و احکام امنیتی صادر شده برای دو خواهرش انسبه و هانیه دائمی و برای خودش در اعتصاب غذا بسر میبرد و خواستار لغو این احکام است و حال او وخیم گرازش میشود.

باید از اسماعیل عبدی، حسن عمرانی و آتنا دائمی و خواستهایشان حمایت کرد و نه تنها این، بلکه با تمام قدرت در جهت تقویت کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات که هم اکنون به جنبشی تبدیل شده است، تلاش کرد. باید

خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل عبدی، حسن عمرانی و آتنا دائمی و لغو احکام صادر شده برای آنها و برای تمامی فعالین سیاسی شد. باید با تمام قدرت این کارزار را به جلو ببریم و با اطمینان دادن به اسماعیل عبدی، حسن عمرانی و آتنا دائمی به اینکه صدای اعتراض آنها در سطح جهانی خواهیم بود، از آنها بخواهیم که به اعتصاب غذایش خاتمه دهد.

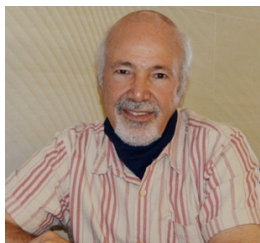
صحبت های جعفر عظیم زاده در حمایت از اسماعیل عبدی در دیداری که با جمعی از کارگران با خانواده او داشته است، تاکیدات روشنی بر جایگاه کمپین علیه مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض و خواستهای اسماعیل عبدی دارد. او در بخشی از سخنانش چنین میگوید: «وارد کردن اتهامات امنیتی به اعتراضات کارگران و معلمان، و پرونده سازی امنیتی برای فعالین صنفی و مدنی در ایران ابزار اصلی در واقع مقابله با هر نوع عدالتخواهی در ایران است و اعتصاب امروز اسماعیل عبدی اهمیتش در این است که این مساله به وسط آورده است و این خواست را یکبار دیگر با اعتصاب غذایش و با جان خودش وسط گذاشته است.

گذشته از این مساله نگاه امنیتی به مسایل اجتماعی در ایران دایره اش خیلی فراتر از کارگران و معلمان است. یک جوری همه بخش های جامعه با این مساله درگیرند. از استاد دانشگاه بگیرد، تا روزنامه نگار و سینما گر، همه با این مساله درگیرند. کارگر وقتی اعتراض میکند به دستمزد چند برابر زیر خط فقر با اتهامات امنیتی مواجه میشود. به زندانهای طویل المدت محکوم میشود. کارگر وقتی ۶ ماه ۱۰ ماه حقوق نمیگیرد و برای خرید نانش میروید قرض میگیرد تا به زن و بچه اش بدهد، وقتی اعتراض میکند با اتهام امنیتی مواجه میشود. شاعر شعر میگوید با اتهام امنیتی روبرو میشود.

روزنامه نگار حقیقت را مینویسد با اتهام امنیتی مواجه میشود. مردم جمع میشوند و میگویند آقا دریاچه ارومیه دارد خشک میشود، کارون دارد خشک میشود، درستش کنید. زندگی ما دارد ویران میشود، سازماندهندگانش با اتهامات امنیتی مواجه میشوند. معلم داد میزند و میگوید شان و منزلت من را به من برگردانید با اتهامات امنیتی روبرو میشود. معلم داد میزند. میگوید آموزش و پرورش این مملکت ویران شده. درستش کنید. و بخاطر بچه های ما این را میگویند. اسماعیل عبدی بخاطر بچه های من این بحث ها را مطرح کرده و رفته زندان، با اتهامات امنیتی روبرو میشود. و اگر من بخواهم این لیست را ادامه بدهم، واقعا با یک کتاب قطور روبرو میشویم. به معنای واقعی کلمه. به این معنا میخواهم بگیرم که نگاه امنیتی به مسایل جامعه در ایران، چیزی است که همه مردم با آن درگیرند. و بطور مرتب و وقفه ناپذیری هزینه های سنگینی را بر روی دوش مردم ایران تحمیل میکنند. و زندانهای سنگین را تحمیل میکنند. و گذشته از این مسایل این بحث نگاه امنیتی و امنیتی کردن فعالیت صنفی و مدنی در ایران، اصلی ترین عامل عدم تحرك در تشکلهای صنفی معلمان است. در عدم شکل گیری تشکلهای مستقل در محیط های کار است. و یا پیوستن معلمان و کارگران به تشکلهای موجود است. و به معنای عمیقتری امنیتی کردن اعتراضات صنفی کارگران و معلمان اصلی ترین و عمده ترین مانع در برابر تامين و گسترش حرکت های مدنی است. به معنای واقعی کلمه نیز از طرف دیگر حرکت های صنفی و مدنی در هر جامعه ای کف حرکت های يك جامعه است. موتور پیش برنده يك جامعه است برای اینکه در آن جامعه عدالتی برقرار شود. برای اینکه آن جامعه سازمان درستی پیدا کند.

شما اگر آنرا از يك جامعه بگیرید. جامعه را محکوم به مرگ کرده اید. به همین دلیل و از همین جاست که من اعتقاد بر اینست که برداشتن اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی و مدنی که امروز اسماعیل عبدی بدلیل آن جانش را گذاشته است و در اعتصاب غذاست. نه تنها باید مورد حمایت ما کارگران و معلمان قرار بگیرد. بلکه باید اساتید دانشگاهها، دانشجویان، دانش آموزان، اولیای دانش آموزان، هنرمندان، سینماگران، همه بیابند وسط و همه خواست اسماعیل را و مطالبه ای که او مطرح کرده حمایت کنند و خواهان آزادی بدون قید و شرط اسماعیل عبدی و برداشتن اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی و مدنی بشوند. ما آمده ایم اینجا به منزل اسماعیل عبدی، به عنوان تعدادی کارگر که اعلام حمایت و همبستگی بکنیم و این حرفها را بزنیم و بگویم حرف اسماعیل حرف ماست. خواستی که اسماعیل مطرح کرده، خواست ماست. ما اسماعیل عبدی را تنها نخواهیم گذاشت و ما این را میخواهیم بگویم که اگر چنانچه به خواست اسماعیل به فوریت رسیدگی نشود، ما اعتراضات خودمان را تشدید خواهیم کرد. و میخواهیم باز این را هم تاکید کنیم که مسئولیت هرگونه لطمه جانی به اسماعیل عبدی در نتیجه زندان و یا در نتیجه اعتصاب غذا مستقیما بر عهده رئیس جمهوری این مملکت، رئیس قوه قضاییه و بالاترین مقامات امنیتی این مملکت است. من دیگر صحبتی ندارم. امیدوارم این صدا را بشنوند. صدای کارگران و صدای مردم شنیده شود و اسماعیل عبدی به فوریت آزاد شود...»

تاکید من نیز همین است که در ابعادی که جعفر عظیم زاده در سخنانش تاکید کرده، باید وسیعا و اجتماعا به کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات به پیوندیم.



اعترافاتشان را فراموش نکنیم

میکند باید جنبش و اعتراضات ما با دست بازتری این مافیای حاکم را مورد تعرض قرار دهد. باید تجاوزات به حقوق مردم را مورد اعتراض قرار دهیم. باید برای زندگی انسانی صد چندان تلاش کنیم. باید برای رفاه و دستمزدهای چندین برابر صد چندان مبارزه کنیم. باید برای بیمه بیکاری و درمان و مسکن مناسب صد چندان بجنگیم. ما میدانستیم و میدانیم که بوده و ثروت فراوان است. مساله اینست که دزدهای نجومی را اگر سر جای خودشان بنشانیم این بودجه ها میتواند در خدمت رفاه همه مردم قرار گیرد. باید عزم کنیم که با مبارزه متحده باند مافیائی حاکم را به جایی که سزاوار آنهاست بفرستیم. یعنی پشت میز محاکمه در دادگاههای مردمی!

حکومت بوده اند. وقتی این ها به دزدی و قاچاق و دروغگویی و املاک نجومی و رانت خواریهای عظیم اعتراف میکنند، این تاییدی بر این حقیقت است که کلا حکومت اسلامی يك باند مافیائی دزدی و جنایت است. ما مردم تمام این ها را میدانستیم. نزدیک چهل سال است این جانباز متفخور را میشناسیم. حقوق زیر خط فقر کارگر را ماهها و دو سال و سه سال نمی پردازند. حقوق زیر خط فقر معلم حق التدریسی را ماهها نمی پردازند. دستمزد کارگر شهرداری را بالا میکشند. چاقویشان شهرداری را به جنگ دستفروشان یعنی کارگران بیکار میفرستند تا با پنجه بوکس امثال علی چراغی را جلوی چشم فرزندش به قتل برسانند. اینها را ما دیده بودیم و میدانستیم. رئیس را میشناختیم. روحانی را میشناختیم. قالیباف و بقیه را هم میشناختیم. و تجربه کرده ایم. اما اکنون که خودشان اعتراف

دزدیها اعتراف کردید. خودتان به جنایات اعتراف کردید. رئیس جمهورتان از اعدامهای فله ای سخن گفت. شهردارتان از قاچاق و دزدی رئیس جمهور و وزرا حرف زد. زندگی زیر خط فقر اکثریت مردم ناشی از همین دزدیها و چپاولگریهاست. زندانیان برای دفاع از همین دزدان است. بسیج و پاسدار برای همین مفتخوری ها لازم دارید. آخوند و مسجد و تکیه و قرآن و محمد و حوزه علمیه و توضیح المسائل را برای توجیه همین بهشت زمینی ای که با دزدی و مفتخوری برای خود ساخته اید لازم دارید. اسماعیل عبدی ها و آتنا دائمی ها را برای حفظ همین بساط باید در زندان نگه دارید. بهنام ابراهیم زاده ها و جعفر عظیم زاده ها را به همین دلیل باید به سالهای سال زندان محکوم کنید. حقیقت اینست که این شش نفری که از صافی شورای نگهبان و خامنه ای گذشتند، همگی از سران قدیمی این حکومتند. اینها از پایه گزاران

کشور را اشغال و تاراج کرده باید درهم کوبیده شود. راه دیگری نیست. مردم انتخاب دیگری ندارند. ما مردم باید اعترافات این جانباز را توی سر حکومتشان بزنیم. در واقع این ما مردم هستیم که با اعتراضات و مبارزات خود این ها را به اینجا کشانده ایم که علیه یکدیگر در پیشگاه ما افشاگری کنند. اعترافاتشان به دزدیها، حقوقهای نجومی، املاک نجومی آنچنانی، جنایات، دیوار کشیدن، و اعدام و رانت خوری و امثال اینها را باید بعنوان کیفرخواستی برای تعرض به این باند جنایتکار مورد استناد قرار داد. اگر طی این ۴۰ سال حقیقتی از زبان اینها جاری شده باشد همانجاست که علیه یکدیگر افشاگری میکنند و کارنامه یکدیگر را رو میکنند. مضحکه انتخاباتی به زودی تمام میشود و یکی از این ها از صندوق بیرون می آید، اما مبارزه ما با آنها باید داغ تر شود. باید به آنها بگوییم خودتان به

کاظم نیکخواه

فکر نمیکنم کسی از مردم ایران در ماهیت مافیائی و دزد و جنایتکار حکومت اسلامی ذره ای شک داشته باشد. اما احياناً اگر چنین کسی هم پیدا شود که ذره ای در ماهیت و عملکرد دست اندرکاران این حکومت تردید داشته باشد قطعاً با همین افشاگریهای کنترل شده ای که طی رقابتهای انتخاباتی اینها علیه یکدیگر انجام دادند، باید متوجه وضعیت و ماهیت این حکومت شده باشد. روشن است که آنچه اینها بدان اعتراف میکنند، گوشه بسیار بسیار کوچکی از کارنامه دزدی و جنایات و باندبازی های سران حکومت اسلامی را منعکس میکند. جمهوری اسلامی حکومت بزرگترین باند دزدان و مفتخوران و چپاولگران جنایتکار تاریخ است که چهل سال است خون مردم را در شیشه کرده اند. برای مردم ایران بد و بدتر معنی ندارد. کل این ماشین چپاول و جنایت که این

فاجعه ی انسانی در معدن یورت و بهره برداری های حکومت

آرش دشتی

رئیس جمهور دیگه این طرفها پیداش نمی شه! و روحانی که رفته بود آتش را بخواند، با شاخی شکسته و دستی خالی برگشت.

معن یورت در طول این يك هفته، ده روز جولانگاه بهره برداری های انتخاباتی روحانی و دار و دسته ی حکومت بود. فاجعه در معدن یورت و سیل در آذربایجان و کردستان و مسمومیت دانشجویان و واژگون شدن اتوبوس اتوبان های تهران و ده ها و صدها جنایت دیگر، نشان می دهد که این حکومت توان و لیاقت اداره کشور را ندارد و مردم عزمشان را جزم کرده اند که گور این جانباز را با دست هایش خود بکنند.

نخواهد بود. اما صف متحد مردم و گسترش اعتراضات می تواند کار حکومت اسلامی را یکسره کند و بساط آثرا به همراه مضحکه های انتخاباتی اش، جمع کند و به زباله دان بیندازد.

مزایای بیمه و بازنشتگی مشاغل سخت و زیان آور استفاده کنند. عذو خلاصه روحانی به محل فاجعه رفت اما در همان بدو ورود با اعتراض شدید کارگران و خانواده هایشان روبرو شد. کارگران چشم در چشم روحانی گفتند که تا امروز شما کجا بودی؟ امروز آمدی اینجا چه کار؟ ما نان نداریم بخوریم. ما ده ماه است که طلبکاریم. آمدی که مصیبت ما را ببینی؟ و در اعتراض مسولان امنیتی که کارگران را به سکوت دعوت می کردند، کارگری که داشت به روحانی نهیب می زد گفت: بنار حرفم را بزنم.

کدام راهزن؟ کدام جلاد؟

از صفحه ۳

انتخابات اعلام کرده اند. نتیجه "مضحکه انتخاباتی" هر چه باشد، حاصل آن در هم ریختگی بیشتر رژیم است و برای اکثریت مردم جز ادامه فقر و سیاه روزی

۳- قبل از آن که روحانی برای دلجویی خانواده ها و آرام کردن جو و البته به خیال واهی جمع کردن رای به یورت برود، علی ربیعی وزیر جنایتکار روحانی به محل رفت و حتی برای نمایش شده، وارد تونل شد تا از میزان حملات بعدی به خودش کم کند و هم به وظیفه ی وزارت تحت امرش عمل کرده باشد. ربیعی رفت تا مسولان امنیتی و قضایی و اداری استان، گاف ندهند و نگویند که معدنکار، بی احتیاطی کرده اند! تا بلکه بتواند ماله کشی های اداری را برای منطقی جلوه دادن شرایط استخدای

و رفاهیات کارگران انجام دهد اما غافل از آن که کارگران افشا کرده بودند که وسایل ایمنی نداشتند، که فقط سه ماه در سال بیمه بودند، که بیمه شان برای معدنکاری نبوده و آن ها را تحت عناوین آرایشگر و یا کارگر خدماتی کتابخانه عمومی بیمه کرده اند تا کارگران نتوانند از

باخته بودن و خانواده های زیادی از هستی ساقط شده اند اما با بی توجهی دستگاه های حکومتی روبرو شده و به فراموشی سپرده شده اند. اما فاجعه معدن یورت انگار با بقیه فجاج فرق می کند:

۱. قبل از آنکه علی ربیعی وزیر کار به محل جنایت برود، خامنه ای پیام تسلیتی منتشر کرد تا بلکه بتواند آبی بر آتش اعتراض کارگران و بازماندگان و خانواده های کشته شدگان و مصدومان بپاشد.

برای کدام حادثه ی مشابه در معادن دیگر، خامنه ای پیام تسلیت فرستاده؟ معلوم می شود که در این معدن، پای خودش و نوچه های بسیجی اش و سپاه، گیر است.

۲- قبل از آن که علی ربیعی وزیر کار به محل فاجعه برود، خامنه ای نماینده ای به آنجا فرستاد تا چند و چون قضایا را بسنجند و بتوانند قضیه را مهار کنند که از دست شان در نرود.

در اثر انفجاری که در معدن یورت از توابع آزادشهر استان گلستان رخ داد، تاکنون (تا لحظه ی نگارش این یادداشت) ۴۵ نفر معدنکار بی دفاع جان باختند. اخبار و گزارش های خوب و زیبایی در باره ی این واقعه ی دردناک و این فاجعه ی انسانی از سوی شبکه علی اجتماعی تهیه و منتشر شده است. فعالان کارگری و مدنی و تشکل های آزاد و مستقل نیز در اطلاع رسانی و روشننگری کارهای خویی انجام داده اند که لازم است اما کافی نیست. کفایت در این است که به يك حرکت جمعی و يك اعتراض همگانی در فضای واقعی جامعه تبدیل شود.

اما حاکمیت بیشتر از هر حادثه ی دیگری و بیشتر از هر زمان دیگری به این مسأله ورود پیدا کرده است. چرا که پیش از این نیز در معادن ناامن دیگری حوادثی رخ داده بود که شمار زیادی از کارگران جان

کارگران در هفته ای که گذشت

سایه سنگین کارگران بر فضای مضحکه انتخاباتی



شلا دانشفر

مناظره سوم کاندیداهای مضحکه انتخابات رژیم با محوریت موضوع اقتصاد و طرحهای هر کدام از کاندیداهای حکومتی در پاسخگویی به معضل ورشکستگی اقتصادی شان، يك سیرک خنده دار تماشایی بود. در حالیکه جامعه از فقر و فلاکت و تباهی هر روزه زندگی و معیشتش در انفجار است، بحث بر سر اقتصاد و معضلاتی چون بیکاری، گرانی، دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و در مقابلش حقوقهای نجومی و اختلاس های میلیاردری مقامات و سران حکومتی، برای این جانیان بازی با آتش است. از جمله در این مناظره یکدیگر را به اختلاسهای میلیاردری متهم و با سند و مدرک دزدی های یکدیگر را رو کردند. برای عقب زدن حریف و بازار گرمی برای صندوق های انتخاباتی شان، هزار جور وعده و وعید دادند. یکی مثل رئیسی عضو کمیته مرگ خمینی با داعیه مسخره نماینده کارگران، معلمان، زنان سرپرست خانواده و غیره داد سخن سرد داد و از فقر مردم دم زد. قالیباف که نیروهای سرکوب پنجه بوکس بدست شهرداری را به جان دستفروشان و کولمه بران مرزی انداخته و این نیروها تا کنون جنایتها کرده اند، از اینکه اگر رئیس جمهور شود برای بیکاران ۴ تا ۵ هزار شغل ایجاد خواهد کرد، فربسکاری کرد. روحانی که کارنامه اش جلوی چشم همه است و آخرین شاهکارش تصویب مبلغ حداقلی دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی است که چند بار زیر خط فقر است، فقط دم از گشایش فرهنگی میزد. و نفرات دیگرشان هم در همین راستا داد و هوار و بیهوده گویی میکردند.

جالب اینجاست که جدالشان در این مباحث آنچنان بالا گرفته بود، که خودشان نیز وحشت کرده بودند و یکی از همین کاندیداها با گفتن اینکه سیاه نمایی نباید کرد، اگر این حرفهایی که اینجا گفته شده، یکی در خارج کشور میزد، میگفتید ضد انقلاب است، هشدار داد.

بطور واقعی در این نمایش مسخره انتخاباتی آنچه به وضوح احساس میشد سایه سنگین جنبش کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی بر فراز سر حکومت بود که هر روز بالنده تر به جلو می آید. دیدیم که چگونه متهمان داشتند یکدیگر را به خاطر فقر و اعدام و زندان و تفکیک جنسیتی و امثال اینها به محاکمه میکشیدند. این در واقع کارگران، معلمان، بازنشستگان و مردم معترض جامعه هستند که با شعارهایی چون خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما يك میلیون، معیشت، منزلت حق مسلم ماست، يك اختلاس كم بشه، مشکل ما حل میشه، ملك نجومی تو ما را بی مسکن کرده در تجمعات اعتراضی هزاران نفره شان، این جانیان را چنین مستاصل در جایگاه جوابگویی به مردم قرار داده اند. دیدن این جنبه بسیار مهم است.

مردم سیرک مناظره های کاندیداهای ریاست جمهوری را دیدند و اکنون این موضوعات و بطور مثال اینکه قالیباف جنایتکار مدعی بخشیدن ملك های نجومی به رفتگران شد، همگی به جوك و طنز مردم در محافلشان و در کوچه و گذر تبدیل شده است. از جمله طنز جالبی از سوی یکی از کاربران گروههای تلگرامی را دیدم که همه جا می چرخید و لایک میخورد که به راستی به حال میزد. این کاربر خوش ذوق تلگرامی چنین نوشته بود: "توجه! توجه! چند شب قبل دلم میخواست زنگ بزنم پلیس ۱۱۰ بگم... چندتا مفسد اقتصادی توی تلویزیون دارند دعوا میکنند برید صدا و سیما دستگیرشون کنید. که همشونم با مدرک صحبت میکنند"

این طنز به روشنی بیان واقعی مضحکه انتخابات در رژیم اسلامی است. مضحکه ای که در آن به اسم "انتخابات" مشتی دزد و جنایتکار را که از صافی شورای نگهبان و خامنه ای گذشته اند، جلوی مردم گذاشته اند که انتخاب کنند. اما بطور واقعی جمهوری اسلامی بر دریای خشم و

نفرت مردم حکومت میکند. انتخاب مردم سرنگونی کل حکومت است.

بهررو انتخابات يك روز است و هر طور شده بر پا میشود و اسم یکی را از صندوق های رای خود بیرون میکشند. اما بعد از تمام این بحث ها و وعده و وعیدهایی که داده اند، اوضاع جای دیگری قرار گرفته است و مردم با موضوع حق به جانب تری پیگیر خواسته ها و مطالباتشان هستند و باید باشند. با اعترافات خودشان میشود این بازی را بر سرشان خراب کرد.

فاجعه معدن زمستان یورت، يك موضوع جدال انتخاباتی

فاجعه زمستان یورت همچنان در اذهان زنده است. فاجعه ای انسانی که در ۱۳ اردیبهشت به وقوع پیوست و بخاطر سودجویی مشتی سرمایه دار جنایتکار، معدنچینی که مرگ را در مقابل چشمشان میدیدند و از ترس اینکه مبادا دم بیاورند و از کار بیکار شوند، به معدن رفتند و متأسفانه ۴۵ نفرشان جان باختند. اتفاقی که فراموش نخواهد شد و روز ۱۳ اردیبهشت را به عنوان روز اعتراض کارگران علیه فجایعی نظیر آنچه در زمستان یورت اتفاق افتاده، در تاریخ جنایات سرمایه داری وحشی در ایران ثبت کرد.

فرزند مراد کمالی وطن آخرین کارگر جانباخته در این معدن میگوید: "پلرم ۳ روز مانده به این حادثه به ما گفت که من نمی توانم تونل چون خیلی خطر دارد به مسئولان گفتیم که اینجا گاز دارد نمی شود کار کرد ولی مسئولان در جواب گفتند اگر کار نمی کنید به سلامت".

قبلا هم نظیر همین گفته از سوی دیگر کارگران این معدن و وابستگان کارگرانی که در این فاجعه ناگوار جان باختند، گفته شده است. و این چنین بود که مشتی جنایتکار، کارگران را برای اینکه برایشان ذغال و پول بیاورند، به اعماق ۱۸۰۰ متری معدنی فرستادند که هر لحظه انتظار انفجارش میرفت و با گفتن اینکه اگر

نروید، شما را به سلامت! حکم مرگ این کارگران را صادر کردند. جمهوری اسلامی و صاحبان حریص و جنایتکار این معدن مسببین فاجعه زمستان یورت هستند. يك خواست فوری کارگران محاکمه مسببین این جنایت است.

اما وقاحت بیشتر جانیان اسلامی، اتفاقات بعدی و تبدیل این فاجعه انسانی به موضوع رقابتها

مضحکه انتخاباتشان است.

در حالیکه معدنچینی که جان سالم برده اند و خانواده های کارگرانی که جان باخته اند و کل این منطقه همچنان در شوک این فاجعه انسانی قرار دارند، در حالیکه اخبار تکانهنده این جنایت انعکاس وسیعی در جامعه داشته و به موجی از خشم و نفرت در میان کارگران دامن زده و تا کنون تشکیلهای مختلف کارگری و کارگران معادن دیگر و فعالین کارگری، با محکوم کردن این جنایت، حمایت خود را از کارگران زمستان یورت و از خانواده های قربانیان انفجار در معدن اعلام داشته اند، حکومتیان مشغول نمایش مسخره انتخاباتی شان هستند و به جای پاسخ گویی در مقابل جنایتی که خود مسبب اصلی آن هستند و هر روزه نیز در این معدن و آن معدن و در محیط های مختلف کاری دارد تکرار میشود، میکوشند، این موضوع را نیز به بحثی در کشاکش ها و نزاعهایشان بر سرکسب کرسیهای قدرت و چپاولشان تبدیل کنند. از جمله دیدیم که روحانی فضا را مناسب دید و کوشید تا بلکه با رفتن به معدن و عکس گرفتن با کارگرانی که سراپا خشم و اندوه بودند، چهره مردمی بخود بگیرد. اما کارگران و خانواده ها و مردم خشمگین محل با حمله به او و با مشت کوبیدن به ماشینش و بلند کردن فریاد اعتراضشان، پاسخ را دادند.

از سوی دیگر ستاد انتخاباتی رئیسی خوشحال از بلایی که کارگران زمستان یورت بر سر روحانی آوردند، با گفتن اینکه چرا تلویزیون سخنان

روحانی را در جمع کارگران معدن پخش کرده و اعتراض کارگران را انعکاس نداده است، سعی کرد خود را به این کارگران نزدیک کند و به طرز مسخره ای سایتها و اصولگرایان حکومتی از اخبار این معدن و اعتراضات کارگران پر شد.

در حالیکه در روز انفجاری معدن روی داد، از ترس گسترش فضای اعتراضی در بین کارگران، یگان ویژه شان را در محل مستقر کردند. با مردم درگیر شدند و بعد هم در مقابل خشم وافر کارگران و مردم ناگزیر شدند عقب بنشینند و نظاره گر اوضاع باشند. اما هیچکدام از همین رسانه ها کلامی از این ماجرا ها سخن نگفتند.

روحانی که دیدار از معدن زمستان یورت، و اعتراض کارگران و خانواده های جانبازان، برایش گران تمام شده بود، کوشید در مراسم انتخاباتی اش در ارومیه با گفتن اینکه ما با همه توان در کنار کارگران معدن زمستان یورت خواهیم بود، فضای اعتراضی را التیامی بخشید. در حالیکه پشت صحنه مشغول پاک کردن آثار این خرابکاریها بودند و یکبار نامی از روحانی تحت عنوان امضا انتشار یافت. و این بار همان کارگری که زیر چماق اخراج به اعماق ۱۸۰۰ متری میرفت و جانش را کف دستش میگذاشت، برای اینکه اخراجش نکنند، امضایش را پای این نامه گذاشته بود. اصولگرایان حکومتی نیز که خود از چماق بدستان قهار حکومتند و رئیسی کاندید محبوبشان عضو کمیته مرگ خامنه ای بوده، فرصت را غنیمت گرفته و این نامه را که بیش از هر چیز استیصال روحانی را به نمایش میگذاشت، مثل برگ برنده ای بدست گرفتند و با رفتن به سراغ کارگران معدن زمستان گزارشاتی مبنی بر چگونگی جمع کردن امضا از کارگران برای چنین نامه ای پرده

قرار در مورد

مبارزه علیه سانسور و سرکوب عقاید

گفتمان و حرکت اعتراضی وسیعی علیه سرکوب عقاید و سانسور در جامعه جریان دارد. این حرکت باید سازمانیافته تر و متعین تر بشود و تا سطح يك کارزار و جنبش اجتماعی قوی و پیگیر ارتقا پیدا کند.

در حاکمیت جمهوری اسلامی بیان عقیده مخالف تحت عنوانی چون توهین به مقدسات، تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی جرم محسوب میشود و با همین اتهامات بسیاری از نویسندگان، هنرمندان، ویلاک نویسان و فعالین سیاسی و اجتماعی احکام زندان گرفته اند و اعدام و شکنجه شده اند. هم اکنون زندانهای حکومت اسلامی مملو از زندانیان سیاسی ای است که بخاطر نبود همین آزادیهای سیاسی پایه ای در جامعه دریندد.

يك مورد آشکار سرکوب آزادی های سیاسی در حاکمیت جمهوری اسلامی سانسور است. حکومت اسلامی با سانسور جلوی آزادی اندیشه و بیان را می گیرد. از چاپ و نشر کتاب ها و روزنامه ها و

نشریات مستقل جلوگیری می کند. سینما، تئاتر، موسیقی، نقاشی را از محتوا می اندازد. رادیو و تلویزیون را در انحصار خود نگه میدارد و از آن برای دروغ پراکنی و اشاعه جهل و خرافات و بقای خود استفاده می کند. رژیم اسلامی با پخش پارازیت می کوشد مردم را از دسترسی آزاد و آسان به صدا و تصویر بسیاری از رادیو و تلویزیون های ماهواره ای محروم نماید. با فیلترینگ و همچنین با کاهش سرعت اینترنت مانع دستیابی مردم به جریان آزاد اطلاعات می شود و در صد است به سرورهای تلگرام، اینستاگرام، توئیتر و مانند آن دست یابد.

جنبش علیه سانسور و سرکوب عقاید میتواند و باید جمهوری اسلامی را در همه این عرصه ها

بچالش بکشد و به عقب براند. حزب کمونیست کارگری ایران برای شکل دادن به این جنبش فعالانه میکوشد و نویسندگان، شاعران، هنرمندان، روشنفکران و همه مردم را به جنبش و مبارزه متحدانه علیه اختناق سیاسی و سانسور و سرکوب عقاید در کشور فرا می خواند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۱۶ مه
۲۰۱۷

توضیح: اصل این قرار به کنگره دهم حزب ارائه شده بود که به دلیل ضیق وقت مورد بررسی قرار نگرفت و به کمیته مرکزی و نهایتاً به دفتر سیاسی سپرده شد.



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری در نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی شرکت نکنید!

مختلف، علیه بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی و با خواست يك زندگی شایسته انسانی، جنبش علیه كل این حکومت را قدرتمندتر بکنیم. هر قدم پیشروی جنبش علیه رژیم اسلامیهاقتدر این حکومت را به لبه پرتگاه نهاییش نزدیکتر میکند.

کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه آذربایجان، باید نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی را بر سر سازماندهندگان خراب کرد. همراه و همگام با مردم ستمدیده و معترض در سایر نقاط ایرن، همراه با کارگران و زنان و جوانان منتفر از حکومت اسلامیدر سراسر ایران، با عدم شرکت در نمایش مضحك انتخاباتی جمهوری اسلامی عزم خود را برای سرنگونی این حکومت و ایجاد يك جامعه آزاد و برابر بنمایش بگذارید.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۱۵
می ۲۰۱۷

نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی نشانه های وحشت این رژیم از اعتراضات مردم را روز بروز و ساعت به ساعت آشکارتر و آشکارتر میکند. سران و بنیانگذاران حکومت اسلامی که خود را نمایندگان دائم العمر خدا بر روی زمین میدانند، اختلافاتشان در تقسیم ثروت و قدرت بین خود و شیوه حفظ و بقاء حکومتشان را با لگدپرانی علیه همیگر به نمایش گذاشته اند.

شرکت در مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی با هر توجیهی، بویژه در شرایط امروز جامعه ایران، فقط در خدمت دشمن اکثریت عظیم جامعه ایران یعنی حکومت اسلامیست. این روزها، ترس از مردم و ترس از اعتراضات متشکل و سازمانیافته آنها در چهره سران جمهوری اسلامی و سخنگویان این حکومت موج میزند. حال که سران حکومت به جان هم افتاده اند، ما میتوانیم با گسترش اعتراضات خود علیه فقر، علیه دستمزدهای پایین، علیه تبعیض بر زنان، علیه تبعیض بر مردم منتسب بر ملیتهای

معند که اکنون با از دست دادن کارشان وضع زندگی و معاششان به خطر افتاده است، باید تحت پوشش بیمه یبکاری قرار گیرند و همانطور که کارگران بارها اعلام کرده اند، اگر سید هزینه ۴ میلیون و نیم است، سقف بیمه یبکاری کارگران زمستان یورت نیز باید همین مقدار باشد. علاوه باید تمامی طلبهای این کارگران فوراً پرداخت شود و باید از معاینه پزشکی و درمان رایگان بیمارهایی که در نتیجه سالها کار در شرایط ناامن معند ابتلا پیدا کرده اند، برخوردار شوند. خانواده های جانباختگان معند زمستان یورت و کارگران این معند را در حلقه حمایت خود بگیریم و وسیعاً از خواستههایشان حمایت کنیم. فاجعه معند زمستان یورت را نباید فراموش کرد. صدای اعتراض کارگران این معند باشیم.

رقابتشان قرار گیرد. این ماجرا و كل داستان مضحکه انتخاباتی بیش از هر چیز استیصال حکومتیان در مقابل قدرت مبارزات کارگران را به نمایش میگذارد. با اتکا به این قدرت است که نباید گذاشت فاجعه معند زمستان یورت تکرار شود.

۳۰۰ کارگر معند زمستان یورت یبکار شدند

بدنبال فاجعه زمستان یورت و تعطیلی این معند ۳۰۰ کارگر از کار یبکار شده اند. همچنین خانواده های که نان آورانیشان در این اتفاق ناگوار قربانی شدند، در بی تامینی به سر میبرند. خانواده های جانباختگان باید از تامین اجتماعی دائم برخوردار شوند و مستمری آنها نباید کمتر از رقم سید هزینه ۴ و نیم میلیونی که خود دولت قبلاً اعلام کرده است، باشد. همچنین ۳۰۰ کارگر این

در مقابل عکس العمل ستاد انتخاباتی رئیس جلال و دارو دسته هایش را می بینیم که به سراغ همین کارگران میروند و با انعکاس حرفهایشان میکوشند که با عکس گرفتن با این کارگران، جناح رقیب را به زمین بزنند. در این ماجرا در نگاه اول موقعیت تضعیف شده کارگران معند که از جمله محرومترین بخش کارگرانی هستند، ظاهر میشود. کارگرانی که آنچنان عقب زده شده اند، که در واقع علیه خود طومار میدهند. اما بطور واقعی حقیقت مهمتری پشت كل این ماجرا نهفته است و باید آنرا دید، حقیقت بزرگتر موقعیت قدرتمند جنبش کارگری در فضای سیاسی ایران است که سبب شده است تا موضوعات داغی چون فاجعه زمستان یورت، این چنین به صحنه رقابت این جانیان برسر کرسی های

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

بوده است که بر آنها روشن است که مسئولان امر در اتفاقی که روی داده، مسئولند و باید محاکمه شوند. نگاهی به این ماجرای تکاندهنده، اوج کثافت و جنایتکاری رژیم اسلامی را مقابل ما قرار میدهد. کارگر معند، کارگری که در بدترین و سخت ترین شرایط کار میکنند. کارگری که از حق داشتن تشکل، تجمع و هر گونه اعتراضی محروم است. و حتی وقتی از خطر جانی محیط کارش اعتراض میکند، تهدید به اخراجش میکنند. کارگری که در يك قدمی مرگ قرار داشته و دهها همکارش قربانی شده اند، زیر فشار حاضر به گذاشتن امضایش در زیر نامه از پیش نوشته ای میشود که جزیی از داستان کارزار مضحکه انتخابات جنایتکاران اسلامی است.

برداشتند. از جمله در یکی از این سایت ها یکی از کارگران بازمانده معند در گفتگو با خبرنگاران میگوید: "روز گذشته در تونل مشغول کار بودم که نامه تنظیم شده را آوردند و من خسته از کار آواربرداری بدون خواندن نامه را امضا کردم. نسبت متوفی نسبت نزدیک نیست بلکه از بستگان مادرم است. در همین رابطه کارگر دیگری نیز چنین میگوید: "به من گفتند سخنان مطرح شده آن روز در سفر رئیس جمهور به محل حادثه ممکن است برای کارگران و خانواده جانباختگان سنگین تمام شود و گفتند امضاء کنید تا فردا حق و حقوق متوفیان و خانواده آنان پایمال نشود." حرف آخر این کارگران این

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان خطاب به مردم کردستان: در بساط "انتخابات" جمهوری اسلامی شرکت نکنید

در بساط "انتخابات" جمهوری اسلامی شرکت نکنید آنچه به نام انتخابات در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی جریان دارد، کوچکترین ربطی به حق رأی و حق انتخاب آزادانه آحاد جامعه ندارد. این مضحکه با هیچ استاندارد انتخاباتی نیست. نه فقط بخاطر شورای نگهبان و هزار فیلتر که حتی خودی های رژیم را هم تصفیه میکند، بلکه مهمتر به این خاطر که آزادی احزاب و مطبوعات و فعالیت سیاسی برای مردم و مخالفین و حتی منتقدین نیم بند حکومت هم وجود ندارد. تحت استبداد و اختناق لیستی از سرسپرده ترین حامیان نظام اسلامی را جلو مردم میگذارند تا با رأی مردم برای خود مشروعیت بخرند. از نظر مردم نه این رژیم و نه این باصطلاح انتخاباتش کوچکترین مشروعیتی ندارند. مردم آزادیخواه کردستان!

مقاومت و رویارویی چهار دهه گذشته شما علیه لشکر کشی و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی، هنوز فاکتور مهمی در مبارزه تائکونی مردم با این رژیم جنایتکار است. نمایش انتخابات رژیم در دوره های گذشته یکی از این میدانهای رویارویی شما با جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی در دوره اول این مضحکه اساسا جرأت برپایی این نمایش در کردستان را نداشت. از آن زمان تاکنون مردم کردستان با عدم شرکت گسترده در این نمایش ارتجاعی باعث انزوای رژیم و دار و دسته اش در کردستان شده اند. امروز جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر مورد خشم و تنفر مردم است. نه تنها شرکت نکردن در مضحکه پیش رو کمترین انتظاری است که از شما می رود، بلکه در هم پیچیدن و بهم زدن این نمایش مسخره هرکجا که ممکن باشد شایسته سابقه مقاومت و ایستادگی تائکونی

شماست. کارزار "انتخابات" ریاست جمهوری" و "شوراهای شهر و روستا"، در واقعیت عرصه کشمکش جناحها و دارودسته های رژیم اسلامی بر سر تقسیم قدرت و گرفتن سهم از حاصل استثمار طبقه کارگر و توده های زحمتکش و غارت منابع و ثروت جامعه است. این بار ماهیت و فرم این معرکه گیری از همیشه آشکارتر در برابر چشمان همگان قرار گرفته است. سران جمهوری اسلامی از جناح های مختلف بشدت نگران عدم شرکت وسیع مردم هستند. خامنه ای و روحانی و رئیسی و قالیباف و خاتمی و لاریجانی ها و سران سپاه و دیگر مسئولین جنایتکار اسلامی علیرغم جدال و کشمکش حادی که با یکدیگر دارند، در یک چیز مشترکند: کشاندن مردم پای صندوق ها و مشروعیت خریدن برای حکومت منحوس شان. باید آنها را ناکام گذاشت. در این نمایش انتخاباتی نباید شرکت کرد. شرکت در این انتخابات با هر انگیزه ای که باشد عملا به تداوم نظام آپارتاید جنسی، به تشدید فشار سرکوب و تداوم بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی کمک میکند. باید به سینه خامنه ای و روحانی و دیگر جنایتکاران اسلامی و همه مجیزگویان ریز و درشت آنها قاطعانه دست زد. کارگران و مردم آزادیخواه!

شما که خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی و این همه مصائب و بی حقوقی ها هستید، شما که خواهان آزادی و برخورداری از یک زندگی مرفه و آسوده هستید، شما که خواهان پایان دادن به تبعیض و بی حقوقی زن و دخالت مذهب در حکومت و در زندگی خود هستید، به پای صندوق های رأی حکومت نروید و همه جا تبلیغ کنید که نباید در این نمایش شرکت کرد. هر بحث و فرصتی درمورد "انتخابات" را به صحنه افشاگری علیه جمهوری

اسلامی و پادوهای آن تبدیل کنید و اجازه ندهید با فرمول فریبکارانه انتخاب "بد" به جای "بدتر" جریانات مجیزگوی جمهوری اسلامی بخشی از جامعه را به پای صندوق بکشاند. با نرفتن به پای صندوق ها این بساط را به عرصه رسوائی رژیم تبدیل کنید و عزم خود را برای به زیر کشیدن رژیم سرمایه داری اسلامی نشان دهید. انتخاب واقعی کارگران و مردم تشنه آزادی در ایران سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و دخالت مستقیم در حاکمیت و اداره جامعه است. آدرس ارتباط و اعلام حمایت

از این بیانیه
byanieh.komunist
ha@gmail.com

امضاها: ۱- حسین مرادیبیگی (حمه سور) ۲- اصغر کریمی ۳- فاتح شیخ ۴- مینا احدی ۵- رحمان حسین زاده ۶- مصلح ریویار ۷- ناصر مرادی ۸- شهلا دانشفر ۹- سعید آرمان ۱۰- سلیمان قاسمینی ۱۱- لیلا قاسمینی ۱۲- جلال محمودزاده ۱۳- محمد آسنگران ۱۴- عبه دارابی ۱۵- کاظم نیکخواه ۱۶- آذر ماجدی ۱۷- مریم افراسیاب پور ۱۸- همایون گدازرگ ۱۹- نسان نودینیان ۲۰- صالح سرداری ۲۱- نسرين رمضانعلی ۲۲- آذر پویا ۲۳- عبدل گلپریان ۲۴- ملکه عزتی ۲۵- سیامک بهاری ۲۶- خانم صفری ۲۷- هیرش مجید نیا ۲۸- کریم نوری ۲۹- محمود رهبری ۳۰- سیاوش مدرسی ۳۱- اسماعیل ویسی ۳۲- پروین کابلی ۳۳- محسن ابراهیمی ۳۴- سعید یگانه ۳۵- حسن قادری ۳۶- محمد یگانه ۳۷- روناک زندی ۳۸- حسن صالحی ۳۹- سیاوش دانشور ۴۰- سیف خدایاری ۴۱- شیوا محبوبی ۴۲- چیم دارابی ۴۳- یدی محمودی ۴۴- سیوان کریمی ۴۵- پدرام نو اندیش ۴۶- سیما بهاری ۴۷- فرهاد

رضایی ۴۸- فریده رضایی ۴۹- محمد نعمتی (پیام) ۵۰- الهام صالح نیا ۵۱- سوسن هجرت ۵۲- شوبو مرادی ۵۳- ستار نوریزاد ۵۴- علی قادری ۵۵- فریبرز فخاری ۵۶- ابو شریفزاده ۵۷- سیروان قادری ۵۸- هاشم ترکمن ۵۹- عباس ایاب ۶۰- سیف صادقی ۶۱- علی مطهری ۶۲- ایرج آبشار ۶۳- شیرزاد چوپانی ۶۴- جمال کمانگر ۶۵- رضا کمانگر ۶۶- محسن حسینی ۶۷- مصطفی صابر ۶۸- ایرج فرجاد ۶۹- کیوان جاوید ۷۰- مهین دارابی ۷۱- ابراهیم حیدری ۷۲- مسعود آذرنوش ۷۳- حبیب نصوحی ۷۴- کاروان درسید ۷۵- هرمز رها ۷۶- عزیزه لطف الهی ۷۷- لیلا ارغوانی ۷۸- شیدا ارغوانی ۷۹- هه ژار علیپور ۸۰- نوید محمدی ۸۱- خبات کریمی ۸۲- لیلا شعبانی ۸۳- فخری جواهری ۸۴- احمد بابایی ۸۵- ناصر اصغری ۸۶- صابر رحیمی ۸۷- علی شریفی ۸۸- محمود محمدزاده سبیری ۸۹- روبین پور درویش ۹۰- عبدالله محمود ۹۱- فریده آرمان ۹۲- علی پیر زاده ۹۳- ناصر نسیمی ۹۴- عه به صیید مرادی ۹۵- مریم ناوه ۹۶- حسین احمدی نیا ۹۷- پروین معازی ۹۸- حیدر گوینی ۹۹- شایسته طاهرخانی ۱۰۰- ریبوار رسولی ۱۰۱- نسرين باباسلجی ۱۰۲- بهمن تقی پوریان ۱۰۳- امین کمانگر ۱۰۴- رحیم آلتنبی ۱۰۵- هوشیار سروش ۱۰۶- فرزاد عبدالله پوران ۱۰۷- محمد هوشمند ۱۰۸- روناک ناصری ۱۰۹- مختار محمدی ۱۱۰- تیمور امجدی ۱۱۱- نسرين امیری ۱۱۲- ناهید روشن ۱۱۳- رحمت ابراهیمی ۱۱۴- نسرين محمودی آذر ۱۱۵- نسرين رخزاد ۱۱۶- شهلا خباززاده ۱۱۷- خالد صالح ۱۱۸- ریبوار عارف ۱۱۹- سوسن صابری ۱۲۰- عزت

دارابی ۱۲۱- محمود خاطری ۱۲۲- عمر کریمی ۱۲۳- منصور ترکاشوند ۱۲۴- فوزیه نصرت پور ۱۲۵- علیرضا شافعی ۱۲۶- عمر معروفی ۱۲۸- کریسی هاپوجا ۱۲۹- حمه غفور ۱۳۰- رحیمزادانپرست ۱۳۱- هادی عبیدی ۱۳۲- کریم شاه محمدی ۱۳۳- محمد سلطانی ۱۳۴- رسول بنواند ۱۳۵- فواد آقابگزاده ۱۳۶- خلیل کیوان ۱۳۷- جمیله راستین ۱۳۸- محمد کریمی ۱۳۹- عبدالله صالح ۱۴۰- هیوا بابیان ۱۴۱- هیوا احمد ۱۴۲- بابک یزدی ۱۴۳- خالد تدبیر ۱۴۴- محمد شکوهی ۱۴۵- جبار محمد ۱۴۶- نازنین برومند ۱۴۷- نادر عبدالحمید ۱۴۸- هاشم پاکسرشت ۱۴۹- فرشته مرادی ۱۵۰- هیمن مرادخانی ۱۵۱- بهمن خانی ۱۵۲- میثم کریمی ۱۵۳- هاشم علی ویسی ۱۵۴- میلاد فلاحي ۱۵۵- حسین شکر ۱۵۶- بیژن حاج حسنی ۱۵۷- مصطفی عبیدی نژاد ۱۵۸- هاشم کریمی ۱۵۹- هیبت نودینیان ۱۶۰- طه حسینی ۱۶۱- نوشین قادری ۱۶۲- رهوه ز عبدالهی ۱۶۳- کیان آذر ۱۶۴- سوران زکی ۱۶۵- شاپیرخضرائی ۱۶۶- رفیق محمدی (رفیق دری) ۱۶۷- شمی صلواتی ۱۶۸- لاله محمدی ۱۶۹- نسرين رخزاد ۱۷۰- پردل زارع ۱۷۱- فاروق محمدی ۱۷۲- هادی عبیدی ۱۷۳- مهدی طاهری ۱۷۴- پشکو دارابی ۱۷۵- جمیله میرکی ۱۷۶- ناصر صادقی ۱۷۷- وریا ابراهیمی ۱۷۸- محمد چوری ۱۷۹- جمیله نقدی ۱۸۰- عثمان رحمانی ۱۸۱- حسین جلیل پور ۱۸۲- سیفه حیدری ۱۸۳- حامد شهریار ۱۸۴- جهانگیر نیازی ۱۸۵- محمد عذیری ۱۸۶- فرهاد زندی

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان

از صفحه ۸

۱۸۷- جلال گلپریان ۱۸۸- شهاب نوری ۱۸۹- بهرام کلارزی ۱۹۰- بهار لیلی ۱۹۱- روبین پوردرویش ۱۹۲- جمال گل حسینی ۱۹۳- آرش نصرالهی ۱۹۴- شیرین شمس ۱۹۵- کامیار نصیری ۱۹۶- اردشیر نظری ۱۹۷- شجاع ابراهیمی ۱۹۸- سلیمان سیگارچی ۱۹۹- محمد خضری ۲۰۰- بابک سراج ۲۰۱- علی کمالی ۲۰۲- بهار ربیعی ۲۰۳- کیا صبری ۲۰۴- محمد صالحی ۲۰۵- هه تاو عبدالهی ۲۰۶- کیوان زنگهی ۲۰۷- زری اصلی ۲۰۸- سعید کلهر ۲۰۹- مصطفی قادری ۲۱۰- شهاب بهرامی ۲۱۱- محمد قادری ۲۱۲- شاهرخ صیادی ۲۱۳- امیر توکلی ۲۱۴- لانه احمد ۲۱۵- سعید سفیدی ۲۱۶- حامد راست کردار ۲۱۷- ژوبین مردوخ ۲۱۸- شاهین رضائی ۲۱۹- بکر عبدالکریم ۲۲۰- فراز آزادی ۲۲۱- شنه احمد ۲۲۲- احمد رحمانی ۲۲۳- جلیل رضایی ۲۲۴- لاوژده جواد ۲۲۵- حسام قادر پور ۲۲۶- مازیار اسفندیاری ۲۲۷- محمود شهابی ۲۲۸- سردار قادری ۲۲۹- فاضل نادری ۲۳۰- صالح صالح پور (صالح کوله سه) ۲۳۱- امیرآئینه چی ۲۳۲- شاهرخ بنایی ۲۳۳- سیمون اصلانی ۲۳۴- بهره حسین ۲۳۵- سرور کاردار ۲۳۶- طه آزادی ۲۳۷- بانو نوری ۲۳۸- محمد نوری ۲۳۹- نسرين بشارت ۲۴۰- سلیمان نقده ۲۴۱- مصطفی یونسی ۲۴۲- عبدالله محمودی ۲۴۳- سیامک شعاعی ۲۴۴- امیر افشار ۲۴۵- یوسف خلیل پورآذر ۲۴۶- احد گلابادی ۲۴۷- امیر زاهدی ۲۴۸- نوید استاد بیگی ۲۴۹- محمد حیدری ۲۵۰- سوران بادفر ۲۵۱- غلام اسکندری ۲۵۲- مهرداد سلیمی ۲۵۳- اسعد حاج حسنی ۲۵۴- سودابه شکبیا ۲۵۵- ابو مهربانی ۲۵۶- پری رشیدیان ۲۵۷- کامبیز خیبری ۲۵۸-

شاهو فاتحی ۲۵۹- شادی بهار ۲۶۰- سعید کرامت ۲۶۱- یدی کوهی ۲۶۲- هلینا قربانی ۲۶۳- بهمن زاکرنژاد ۲۶۴- موسی تلاش ۲۶۵- فرزانه درخشان ۲۶۶- گیتی موسوی ۲۶۷- جمال پیرخضری ۲۶۸- خالد ناصری ۲۶۹- هستی طاهری ۲۷۰- سعید حمه رشید سیسیری ۲۷۱- سمکو ابراهیمی ۲۷۲- حامد محمدی ۲۷۳- مهدی منافی ۲۷۴- فخره صادقی ۲۷۵- علی کمالی ۲۷۶- هدایت ملا علی ۲۷۷- بهرام جهانبخش ۲۷۸- ساسان صنعانی ۲۷۹- سیامک زارع ۲۸۰- صلاح کفاشی ۲۸۱- شرمین بهمنی ۲۸۲- امیر زندی ۲۸۳- محمد رضا پویا ۲۸۴- حسین جلیل پور ۲۸۵- آرش ناصری ۲۸۶- سلیمان رسولی ۲۸۷- حصیه چوپانی ۲۸۸- سهراب وفا ۲۸۹- صبری امیر حسینی ۲۹۰- آرزو فتاح نژاد ۲۹۱- سعدی فتاح نژاد ۲۹۲- طغرا قره گوزلو ۲۹۳- اسو عبدی نژاد ۲۹۴- زهرا فتاح نژاد ۲۹۵- کارو فتاح نژاد ۲۹۶- اسرین واصلی ۲۹۷- داوید آرام ۲۹۸- غلام اکبری ۲۹۹- کریم کانیشه ۳۰۰- جمال خسروی ۳۰۱- مریم صادقی ۳۰۲- فرهاد رمضانعلی ۳۰۳- ظاهر مولودی ۳۰۴- محب بختیاری ۳۰۵- شلیر فرزانه ۳۰۶- سعید اعتزاززاده ۳۰۷- شاهین ناصری ۳۰۸- امید جهانگیری ۳۰۹- نسرين صفری ۳۱۰- فوزیه بختیاری ۳۱۱- فرشته نظام آبادی ۳۱۲- ایوب حسینی ۳۱۳- حسین اسماعیلی ۳۱۴- جمال صابری ۳۱۵- ناصر بختیاری ۳۱۶- سیامک امجدی ۳۱۷- پیام آذر ۳۱۸- فرهاد یوسفی ۳۱۹- مژگان مظهری ۳۲۰- اسعد سلیمانی ۳۲۱- نگار سرو علیشاهی ۳۲۲- سیروس ایل بیگی ۳۲۳- سارا نخعی ۳۲۴- آوات فرخی ۳۲۵- نشمیل حبیب پناه ۳۲۶- مریم سلطانی ۳۲۷- جمشید اساسی ۳۲۸- شریفه کیوان ۳۲۹- فرج شهابی ۳۳۰- علی

امیدی ۳۳۱- عارف اریا (عارف نیرل) ۳۳۲- کیان آزادی ۳۳۳- محمود احمدی ۳۳۴- مژگان سرمدی ۳۳۵- محمد محمدی ۳۳۶- عثمان رسولی ۳۳۷- پروانه قادری ۳۳۸- پرویز فکوربان ۳۳۹- محمود جوانمردی ۳۴۰- آوات صادقی ۳۴۱- مینو میرانی ۳۴۲- محسن بغدادی ۳۴۳- سمکو نوری ۳۴۴- وریا محمدی ۳۴۵- غفور زرین ۳۴۶- رادیو پیام کانادا ۳۴۷- سمیر نوری ۳۴۸- کیومرث کابلی ۳۴۹- ثریا خضری ۳۵۰- مهران محبوبی ۳۵۱- ریحانه جباری ۳۵۲- ولی رستمی ۳۵۳- کاوه عمر ۳۵۴- ندا اسفندیاری ۳۵۵- اسد حیدری ۳۵۶- پرویز راستگو ۳۵۷- سحر باباسلجی ۳۵۸- محمد عابدیان ۳۵۹- ترانه باران ۳۶۰- کیوان کتابی ۳۶۱- رضا مرادی ۳۶۲- ناصر صادقی ۳۶۳- دنیس میر ۳۶۴- ناهید نوین ۳۶۵- توفیق پیر خضری ۳۶۶- ناصر کشکولی ۳۶۷- ناصر اقباشلو ۳۶۸- شورش مولانی ۳۶۹- هادی رحیمی ۳۷۰- ابراهیم محمدیان ۳۷۱- عزیز عبدالله پور ۳۷۲- احمد نیک جو ۳۷۳- نبی مردانی ۳۷۴- امید محمدی ۳۷۵- کبری احمدی ۳۷۶- وریا امجدی ۳۷۷- علی دماوندی ۳۷۸- رشید علیزاده ۳۷۹- ژوبین خضری ۳۸۰- سعید مدانلو ۳۸۱- سیاوش آذری ۳۸۲- داوود رفاهی ۳۸۳- بیستون بیگ زاده ۳۸۴- سونیا محمدی ۳۸۵- صلاح ایران دوست ۳۸۶- موسی یوسفی ۳۸۷- شیرین پیرخضری ۳۸۸- کوستان امینی ۳۸۹- نینا کریمی ۳۹۰- حمید تقوایی ۳۹۱- پارسا حسینی ۳۹۲- احمد حسینی ۳۹۳- سارا مددی ۳۹۴- ملاحت مرتضوی ۳۹۵- ماهرخ فیروزه ۳۹۶- مسعود صالحی ۳۹۷- سروناز سینایی ۳۹۸- میلاد رباعی ۳۹۹- نگار قنبری ۴۰۰- نسرين قنبری ۴۰۱- احسان مفتاحی ۴۰۲- حسین محققین فلاحی ۴۰۳- ساناز سینایی ۴۰۴- مریم بنایی ۴۰۵- سارا مس اف ۴۰۶- حمید آرمیون ۴۰۷- آرمان فتحی ۴۰۸- شادی شوشتری ۴۰۹-

سحر ادیب ۴۱۰- میلاد رسایی منش ۴۱۱- مهدی دهقان پور ۴۱۲- حامد صدرا ۴۱۳- مریم کمالی ۴۱۴- کیوان رضوی نیا ۴۱۵- ندا اسفندیاری ۴۱۶- جمیل فرزانه ۴۱۷- مجید حمیدیان ۴۱۸- دردانه خسروی ۴۱۹- فرشته بهمنی ۴۲۰- صباح زارع ۴۲۱- راضیه صلواتی ۴۲۲- آرمین دشتی ۴۲۳- مهدی پویا ۴۲۴- حمید برمن ۴۲۵- ابراهیم شیروانه ۴۲۶- کیمیا خوشیام ۴۲۷- بهمن سلطانی ۴۲۸- جلال برخوردار ۴۲۹- لیلا صدی ۴۳۰- سعید عابدینی ۴۳۱- سام پارسا ۴۳۲- لیلا صدی ۴۳۳- نازلی مولودی ۴۳۴- جبار محمد ۴۳۵- کاوه دادگر ۴۳۶- سردار عبدالله حه مه ۴۳۷- صالح فلاحی ۴۳۸- حمید شعبانی ۴۳۹- سه رگول احمد ۴۴۰- احمد ساسانی ۴۴۱- دارا ساسانی ۴۴۲- محمد فرازی (دارسیران) ۴۴۳- سهیلا روحانی ۴۴۴- محمود نجفی ۴۴۵- توفیق فرجی ۴۴۶- ارسطو شعبانی ۴۴۷- روناک رحیمی ۴۴۸- روزا پرتو انداز ۴۴۹- علی عبدالی ۴۵۰- شهین زندپور ۴۵۱- مصطفی باهیر ۴۵۲- گلاله مارف ۴۵۳- جمال کریکار ۴۵۴- حاجی محتسم ۴۵۵- ابراهیم حسین ۴۵۶- شیرین محمد علی ۴۵۷- سیروان امین ۴۵۸- جمال نانوا ۴۵۹- پرشنگ محمدی ۴۶۰- چیم قرداغی ۴۶۱- سندوس سامی ۴۶۲- مهربان علی ۴۶۳- هورامان علی ۴۶۴- خالد رثوف بگ (کیوان) ۴۶۵- سروه فریق ۴۶۶- مجید محمدیان ۴۶۷- کاروان نجمه دین ۴۶۸- فرید محمدی ۴۶۹- بهنام ارانی ۴۷۰- اسماعیل هدفمند ۴۷۱- محمد ولدی ۴۷۲- شهاب آرام ۴۷۳- روژین رضایی ۴۷۴- هادی وقفی ۴۷۵- زری صمدی ۴۷۶- صادق احمدی ۴۷۷- علی قنبری ۴۷۸- ژیلای میرکی ۴۷۹- رزگار ویسی ۴۸۰- مهرداد احمدی (شاهو) ۴۸۱- علی محسنی ۴۸۲- محبوبه سیاهمردی ۴۸۳- ناصر رحمانی ۴۸۴-

بختیار میرزایی ۴۸۵- فرهاد پیروتی ۴۸۶- ملک چراغی ۴۸۷- علی شریفزاده ۴۸۸- محسن قبادی ۴۸۹- مجید حمیدیان ۴۹۰- باران بهاری ۴۹۱- هیوا امجد ۴۹۲- مهران امین پور ۴۹۳- فاروق محمدی ۴۹۴- مونا کاشف ۴۹۵- خالد زارعی ۴۹۶- طاهر مظهر ۴۹۷- رشید علیزاده ۴۹۸- پروین آزاد ۴۹۹- اختای آزاده ۵۰۰- حبیب مرادی ۵۰۱- شهناز مرتب ۵۰۲- کریم محمدی ۵۰۳- عباس کامل ۵۰۴- مینا مینایی ۵۰۵- ولی چوپانی ۵۰۶- منیژه اتمامی ۵۰۷- م. شکیب ۵۰۸- آزاد بکر ۵۰۹- عطا اتابک ۵۱۰- بهروز بهاری ۵۱۱- کاوه کرد ۵۱۲- هدایت سهرابی ۵۱۳- پریسا ابراهیمیان ۵۱۴- سامرن کاکه رش ۵۱۵- محبت جلیل پور ۵۱۶- نعمت باغبانی ۵۱۷- بها احمد ۵۱۸- فریدون اختیاری ۵۱۹- امید محمدی ۵۲۰- جلال حسین زاده ۵۲۱- قاسم قاسمیانی ۵۲۲- رسول دانشور بلوچی ۵۲۳- اقبال کاکه براتی ۵۲۴- احمد بازگر ۵۲۵- ناصر بازگر ۵۲۶- حامد راتکردار ۵۲۷- سعید حیدری ۵۲۸- حامد یزدانی ۵۲۹- عظیم مانور ۵۳۰- علی مقدم ۵۳۱- فریدون نصیر پور ۵۳۲- حصیه لطفی زر ۵۳۳- ماشالله آشکار ۵۳۴- آزاد خاده ۵۳۵- فاتح بهرامی ۵۳۶- ایرج رضایی ۵۳۷- شه می حکیمی ۵۳۸- فرنگیس ۵۳۹- اقبال نظرگاهی ۵۴۰- یحیی محمدی ۵۴۱- فاطمه محمدی ۵۴۲- فریده اقباجانی ۵۴۳- خدر نلوسه ۵۴۴- روناک خضری ۵۴۵- علی محمودی (علی خواشت) ۵۴۶- کیوان ساعد پناه ۵۴۷- اسرین پری محمدی ۵۴۸- جلیل جلیلی ۵۴۹- صلاح بهرامیان ۵۵۰- آشکین محمد زاده ۵۵۱- رامبد بزرگی ۵۵۲- عثمان پالنگان ۵۵۳- محسن محمدی ۵۵۴- گلزار احمدیان ۵۵۵- ژوان غفوری ۵۵۶- فریده غفوری ۵۵۷- آرمین دشتی ۵۵۸- مهدی پویا ۵۵۹- بهرام رحمانی ۵۶۰- کریم سیسیری

بساط انتخابات جمهوری اسلامی در خارج کشور را باید جمع کرد

مصاحبه روزنامه گلوبوس با مینا احدی

یکروز قبل از مضحکه انتخاباتی در ایران اگر گشت ارشاد حکومت از کار افتاده نه بدلیل روحانی و سیاستهای او بلکه بدلیل میلیونی شدن بد حجابی در ایران است. شرکت در انتخابات یعنی مهر تأیید زدن بر حکومت جلادان و فاسدان اسلامی.



متن مصاحبه مینا احدی با بزرگترین روزنامه برزیل گلوبوس

خبرنگار میپرسد اوضاع در ایران چگونه است و احدی میگوید مردم در ابعادی میلیونی از این حکومت متنفرند فقر، بیکاری، سرکوب و اعدام و دزدیهای کلان همه مقامات خشم و انزجار عمیقی در جامعه انباشته کرده و مردم نه فقط در تاکسی و خیابان و مدیای اجتماعی بلکه در عمل حکومت را پس زده اند. خبرنگار میگوید از سکیته آشتیانی چه خبر و سنگسار و قانون آن چه شد و احدی خطاب به مردم و زنان در برزیل میگوید شما قلبیاتان برای سکیته و زنان ایران لطیف و باید بگویم حکومت در این زمینه شکست خورد هم بدلیل کمپین جهانی نجات سکیته و هم گسترده بودن روابط جنسی خارج از ازدواج پس باید گفت مردم حکومت هار را به بند کشیدند نه خاتمی و روحانی،

و سرکوب دارند و تجربه نشان داده است که به هر درجه ای که تنور انتخابات حکومت گرم شود به همان درجه تعرض این حکومت به مردم بیشتر خواهد شد. رای ندادن وسیع مردم اعتماد بنفس را از آنها میگیرد، قدرت سرکوبشان را، هر کس که از صندوق بیرون بیاید، کمتر میکند و آنها را بیشتر و بیشتر به جان هم می اندازد.

در خارج کشور میتوانیم کاری کنیم که بجز سفارتی ها و پادوهای توده ای، اکثریتی، یعنی همانها که دهه شصت مخالفان حکومت را به لاجوردی ها لو میدادند، و مفتخوره های وابسته به حکومت کسی به صندوق هایشان رای نیندازد و روز ۱۹ مه را به روز رسوایی بیشتر اراذل و اوباش حکومت تبدیل کنیم. در مقابل صندوق های حکومت در سفارتخانه ها و کنسولگری های حکومت تجمع مخالفان حکومت برپا میشود.

وسیعاً به این صف پیوندید. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۸ مه ۲۰۱۷

بدون يك ذره شرم با همین استدلال ها برای حکومت عمر میخرند. اما این فشار مبارزه و اعتراضات مردم و فضای اعتراضی جامعه است که جنایتکاران حاکم را به جناحهای مختلف و به اصطلاح "بد" و "بدتر" تقسیم میکند و در صفوف آنها انشقاق ایجاد میکند نه همراهی با این یا آن جناح حکومت.

مردم شریف ایران نه فقط برای این به اصطلاح انتخابات مشروعیتی قائل نیستند بلکه کل حکومت و ساختار و قوانین و در يك كلام کل این نظام را به رسمیت نمیشناسند. در خارج کشور نیز باید جبهه قدرتمند و هرچه وسیعتری در مقابل کل این حکومت و شیادان و پادوهای ملی اسلامی شکل داد و بر سرگونی تمام عیار این حکومت پافشاری کرد. مبارزه قاطع علیه کل حکومت و رسوا کردن مبلغین شرکت در مضحکه انتخابات تنها راه درستی است که مقابل مردم قرار دارد. این تنها برخورد اصولی و مردمی در برخورد به انتخابات حکومت اسلامی است. همه سران این حکومت کارنامه ای پر از جنایت

قرار است ۲۹ اردیبهشت (۱۹ مه) جمهوری اسلامی مضحکه انتخاباتش را در خارج کشور هم برگزار بکند. تعدادی از آدمکشان با سابقه حکومت که از فیلترهای شورای نگهبان و خامنه ای عبور کرده اند کاندید این نمایش انتخاباتی هستند.

برای همه مردم در داخل و خارج کشور روشن است که مردم در ایران حق انتخاب ندارند. نه آزادی بیان و اعتراض و تشکل دارند، نه حزب و سازمان مخالفی آزادی فعالیت دارد و نه مردم امکان رای دادن به نمایندگان واقعی خود را دارند، نه نیمی از جمعیت یعنی زنان انسان به حساب می آیند. تازه اگر همه اینها هم تأمین بود رئیس جمهور حکومت اسلامی جز پاسداری از جنایت و دزدی و دستگاه تحجر و مذهب کاری برای انجام دادن ندارد که نفعی به حال مردم داشته باشد. ملی اسلامی ها و توده ای ها و اکثریتی های منفور و بی آبرو هر چهار سال یکبار تبلیغ میکنند که باید بد را در مقابل بدتر انتخاب کرد تا اوضاع بدتر نشود. و هر چهار سال یکبار



در اعتراض به مضحکه انتخاباتی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در فرانکفورت آلمان

رهبر و دیگر سران جنایتکار حکومت اسلامی و از جمله کاندیداهای ریاست جمهوری این حکومت باید به جرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند.



مرگ بر جمهوری اسلامی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود